

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)

سال سی‌وسوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۸۳-۵۷

تحول موضوع و خاستگاه ترجمه‌های عربی به فارسی متون شیعی دوره صفوی در گذار از قرن ۱۰ به ۱۱^۱

مهدی بذرگر خضر بیگی^۲، سید جلال رجایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

چکیده

فارسی‌نویسی پس از تهاجم مغول در پیوند با هویت ایرانی و در پی بالیدن تشیع امامی به صورت نسبی رشد یافت. در جریان فارسی‌نویسی، ترجمه در دوره صفویه، با تأکید بیشتر بر زبان و هویت ملی رشد یافت. در این دوران آثار متعددی از عربی به فارسی برگردانده شد. «ترجمه‌های این دوران سهم ممتازی در معرفی ابعاد مختلف اندیشه و آیین دارند. همچنین بررسی دلایل انتخاب متون ترجمه از سوی مترجمان اطلاعاتی سودمند درباره تحول در فکر و فرهنگ به دست می‌دهد. بررسی آماری ترجمه‌های این قرون تحول در موضوعات ترجمه را در گذار از دوران استقرار حکومت صفویه (قرن ۱۰) به دوره تثبیت این سلسله (قرن ۱۱) نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که موضوعات مورد توجه برای ترجمه همواره یکسان نبوده است. تغییر گفتمان غالب در این دوران با تغییر محتوای متون انتخابی برای ترجمه از سوی مترجمان رابطه مستقیم دارد. این تغییر در محتوای متون انتخابی ناشی از چه عواملی بوده است، انگیزه آمران ترجمه و مقاصد مترجمان از انتخاب آن متون چه بوده است؟ ترجمه‌ها حاوی داده‌های تاریخی ویژه‌ای هستند که در کنار عوامل و شاخص‌های دیگر، روند و ماهیت تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک را در این دوران بازتاب می‌دهند. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی تلاش شده است تا به ضرورت تغییر در انتخاب متن و محتوای متون ترجمه پردازیم و نشان دهیم که ترجمه در این دوران باتکیه بر اخباری‌گری، روش‌های کلامی را برای ساخت و گسترش تشیع به‌مثابه یک ایدئولوژی سازنده در حیات صفویان به کار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، صفویه، متون شیعی، تحول موضوع.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.46274.1708

۲. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
history.1366@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).
rejaei-sj@ferdowsi.um.ac.ir

- مقاله برگرفته از رساله با عنوان "ترجمه در دوره صفویه" با دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۴۰۰ است.

مقدمه

رونق فارسی‌نویسی در دوران صفویه را می‌توان در آینه‌ی رشد نسبی ترجمه‌های این دوران مشاهده کرد. افزایش حجم آثار مترجم در قرن دهم آن قدر بوده است که عده‌ای با بزرگ‌نمایی، این پدیده را «نهضت ترجمه» در دوره‌ی صفویه بخوانند و آن را با نهضت ترجمه‌ی دوران عباسی قیاس کنند. البته تأیید چنین قیاسی آسان نیست؛ زیرا تنوع موضوعات و کثرت متون و تسامحی که عباسیان نسبت به پذیرش محتوای متون ترجمه داشته‌اند؛ این مقایسه را با اشکال روبه‌رو می‌کند. همچنین ترجمه‌ی آثار در نهضت ترجمه‌ی دوران عباسی «برون تمدنی» (خارج از جهان اسلام) است و در دوره‌ی صفوی به استثنا متونی از سرزمین هند، این گونه نیست.

جریان ترجمه‌ی متون شیعی طی بیش از دو قرن حیات صفویان با فراز و فرودهایی همراه بود. موضوعات ترجمه طی این مدت طولانی یکسان نبود. سده‌ی دهم قمری دوران استقرار صفویان و گذار جامعه‌ی ایران از مذهب سنت به شیعه‌ی اثنی‌عشری بود. در سده‌ی یازدهم صفویان از بند چالش‌های حیاتی دوران ظهور خود گذر کرده و نهادهای مختلف حکومت ایجاد شده و به بلوغ رسیده بود. شرایط دیگری حاکم و نیازهای متفاوتی رخ نموده بود. در حوزه‌ی مذهبی نیز تغییرات به شکل دیگری در حال تکوین بود. وصلت‌های سببی بین دو نهاد دین و سلطنت کیفیت تازه‌ای از تعاملات به دست می‌داد و از خلال این وصلت‌ها، گروه‌ها، اقشار، فرصت‌ها و تنگناهای جدیدی سر برمی‌آورد. این تحولات در شئون مختلفی از حیات اجتماعی و فکری از جمله «ترجمه» بازتاب می‌یافت.

سؤالات اساسی در اینجا این است که شرایط فوق بر انتخاب موضوعات ترجمه چه اثری داشتند. مترجمان این آثار به کدام خاستگاه‌های فکری تعلق داشتند. تثبیت قدرت و نهادینگی مذهب تشیع در قرن ۱۱ق بر مقاصد ترجمه چه تأثیری داشته است. مترجمان سده‌ی ۱۱ق چه نسبتی با ساختار دینی و سیاسی داشته‌اند. این سؤالات و نیز پرسش‌های خردتری که در دل آن قرار دارد در پژوهش پیش رو محل تأمل قرار گرفته است.

پاسخ به این پرسش‌ها نخست بررسی فهرس نسخ خطی را می‌طلبد. همچنین فراهم آوردن صورت نسبتاً کاملی از عناوین ترجمه در این دوران موردنیاز است. حاصل کار، یافتن ۲۹۲ عنوان ترجمه بود. تلاش شد تا با مقابله‌ی اطلاعات به دست آمده با فهرستگان نسخ خطی ایران «فنخا» و «حافظه‌ی ملی ایرانیان» کاستی‌های احتمالی به حداقل ممکن کاهش یابد.

«فنخا» در سال‌های اخیر به عنوان جامع‌ترین فهرست نسخ خطی موجود در ایران شناخته می‌شود. این مجموعه ۴۵ جلدی، حاصل تجمیع ۵۰۰ فهرست مفصل و مختصری است که از سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۹۰ شمسی گردآوری شده است. «فنخا» با معرفی بیش از ۳۲۰۰۰۰ نسخه

خطی فارسی و عربی موجود در ایران مجموعه واحد و جامعی را برای محققان فراهم نموده است.

«سامانه حافظه ملی ایرانیان» جامع‌ترین پایگاه فهرست، کتب، نشریات، اسناد و نسخ خطی کشور است که دسترسی به چهار پایگاه «شبکه نشریات کشور»، «فهرستگان نسخ خطی»، «شبکه مراکز اسناد کشور» و «بانک نشریات کشور» را میسر می‌کند. این پایگاه به غنی‌سازی تجربه کاربران و توزیع عادلانه اطلاعات ایجاد شده یاری می‌رساند. دومین پایگاه سامانه حافظه ملی ایرانیان، حاوی فهرست تمامی نسخ خطی فارسی موجود در ایران و جهان است. این منابع از ۱۸۶۸ پایگاه موجود دریافت شده است و شامل یک میلیون و ۱۴ هزار نسخه خطی است. فهرست مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از این دو منبع فراهم آمده است و نتایج به دست آمده، حاصل مطالعه کیفی و تحلیل آماری داده‌هاست.

از میان تعداد ۲۹۲ عنوان کتاب مترجم، حدود ۶۶ مورد به میزان ۲۲/۶ درصد آن‌ها متعلق به قرن ۱۰ق و ۱۳۳ عنوان به میزان ۴۵/۵ درصد آن‌ها به قرن ۱۱ق تعلق دارد. بررسی ترجمه‌های مذکور حکایت از تغییرات قابل‌توجهی در موضوع ترجمه‌ها دارد. این تغییرات انطباق معنی‌داری با عبور صفویان از دوران تأسیس به دوران تثبیت و تقویت تشیع امامی دارد. افزایش کثرت موضوعاتی خاص در بخشی از این دوران و همچنین تمرکز در برخی موضوعات دیگر، فهم این تغییرات را تسهیل می‌کند.

نکته پسین این است که دیباچه و «انجامه» نسخه‌ها و آثار ترجمه اطلاعات گسترده‌ای درباره شناسایی و هویت نویسنده، هویت مکانی و زمانی و شرایط تاریخی، وضعیت روحی و حوادث جاری روزگار او ارائه می‌دهد (عابدین‌پور و دیگران، ۱۴۸:۱۳۹۹) و این همه مورد استفاده فهرست‌نویسان قرار می‌گیرد.

اکثر کتب ترجمه‌شده در این دوران از مشهورات آثار شیعی است؛ بنابراین در فهرست نسخ خطی درباره معرفی نویسندگان یا محتوای کتاب‌ها مغایرتی که در تکمیل نمودارها و جداول اختلالی ایجاد کند به چشم نمی‌خورد. در فهرست نسخ خطی (و در این پژوهش نیز) حساب موضوع اصلی از موضوعات فرعی یا جزئی آثار جدا شده است؛ به‌عنوان مثال موضوع اصلی در کتاب *کشف الغمه* تاریخ و سیره ائمه شیعه است و در کنار آن مباحث کلامی و اعتقادی نیز وارد شده است؛ لذا از تأثیر موضوعات جزئی در معرفی موضوع اصلی اثر پرهیز شده است.

ادبیات تحقیق

این موضوع پیشینه تحقیقاتی خوبی دارد و مطالعاتی درباره آن در رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله تاریخ، علوم سیاسی و علوم قرآن و حدیث صورت گرفته است. محیط طباطبایی در میان پیشینه پژوهشگران ترجمه و در این مقاله، مقام نخست را دارد. او به موضوع ترجمه در ایران در مقاله «سیر ترجمه در تاریخ ایران» (۱۳۴۶) پرداخته است و در این مسیر به اجمال و گذرا در مطالعات ترجمه راهگشایی نموده است.

رسول جعفریان در سال ۱۳۷۱ در کتاب *تصحیح رساله سیاسی قطب‌الدین محمد نیریزی شیرازی* (۱۱۷۳ق) مقاله‌ای در ضمیمه همین کتاب با موضوع ترجمه در دوره صفوی منتشر کرد. ایشان در این مقاله به این ایراد تاخته که گویا همه به تأسی از ادوارد براون دوره صفوی را فاقد اثر ادبی و فقر زبان فارسی یافته‌اند و به مدافعه از نظر مخالف آن برخاسته و مخاطب را متوجه متون ترجمه‌شده در این دوره نموده و ویژگی‌های ادبی این ترجمه‌ها را برشمرده است. جعفریان همچنین در مقدمه *تصحیح ترجمه اناجیل اربعه خاتون‌آبادی* (۱۳۷۵) به تفصیل مطالبی را درباره ترجمه‌های دوره صفوی بیان داشته است و نکات ارزشمندی درباره «ترجمه» در این دوره در اختیار می‌گذارد. در این اثر نویسنده به ضرورت یک تحقیق مستقل در موضوع ترجمه دوره صفوی اشاره می‌کند.

رویکرد علما به فارسی‌نگاری نام پژوهشی است که عباس میری انجام داده و در نشریه حوزه در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسانده است. نویسنده به معرفی کتاب‌های ترجمه‌شده و آثار نوشته‌شده به فارسی در دوره صفوی پرداخته است و آنان را ذیل این عناوین تقسیم‌بندی نموده است: عقاید و کلام، اخلاق و مواعظ، دعا و زیارت، حدیث، تاریخ و سیره معصومان، زندگانی معصومان، فضائل و خصال عالی معصومان، بیان غم و اندوه امامان و مرثیه بر آل‌طه، احکام، رساله‌های پرسش و پاسخ، حکمت و حکومت، ترجمه و شرح‌های عهدنامه مالک‌اشتر، آثار و فوائد.

در سال ۱۳۸۲ گروه دایرة‌المعارف جهان اسلام یک کار مشترک را با عنوان *نهضت ترجمه* در ایران به انجام رساند که در آن به صراحت به مغفول‌ماندن مطالعات و تحقیقات جدی در حوزه ترجمه در تمام ادوار تاریخ ایران اشاره می‌کند. حسین‌زاده شانه‌چی نیز در مقاله «ترجمه کتب سیره و مناقب در دوره صفوی» (۱۳۸۸) تبعی در این موضوع داشته است. «نهضت ترجمه به فارسی در عصر صفوی» (۱۳۹۲) عنوان مقاله‌ای است که محمدرضا حسینی در حوزه مترجمی نگاشته است. او در این اثر به دست‌بندی ترجمه‌های دوره صفوی و تشریح گزیده‌ای از ترجمه‌های این دوره می‌پردازد.

در پاسخ نیاز به یک تحقیق مستقل در باب ترجمه در روزگار صفویه می‌توان از کار دنیس هالف در رساله‌ای با عنوان «ولگاته عربی در ایران عصر صفوی، چاپ عربی اناجیل، مسیحیان کاتولیک، ظهور امپراتوری ضد مسیحی شیعه» (۲۰۱۶م) یاد کرد که به معرفی ترجمه اناجیل به فارسی توسط محمدباقر خاتون‌آبادی و اهمیت این کتاب در عصر صفوی پرداخته است. «شروع نهضت ترجمه در دوره صفوی» عنوان پایان‌نامه‌ای است که در رشته مترجمی در سال ۱۳۹۷ توسط مولود گلدار در دانشگاه خاتم انجام شده است. پایان‌نامه مذکور براساس مدل بوردیو^۱ و نظام چندگانه^۲ «زوهر»^۳ به بررسی مترجمان برجسته و آثار ترجمه‌شده آن‌ها پرداخته است.

با وجود تحقیقات یادشده بالا، در بیان ضرورت انجام پژوهش حاضر ذکر دو نکته به اشاره لازم است: نخست آن که داده‌های تحقیقات معرفی‌شده در بخش «ادبیات پژوهش»، چه آن دسته که توسط اهالی تاریخ انجام شده و چه آن‌ها که با اتکا به داده‌های معرفی‌شده از سوی محققان تاریخ صورت گرفته است، جامعیت لازم را ندارند؛ چنان‌که عمده نویسندگان فوق‌الاشاره علی‌رغم تلاش درخورشان همچنان به ضرورت کار جدی در حوزه ترجمه به‌ویژه دوران صفویه اشعار لازم داده‌اند؛ زیرا دانسته‌اند که نبود فهرست کاملی در معرفی ترجمه‌ها و مترجمان دوره صفویه مشهود است. در واقع نتیجه کار آنان از پشتوانه چنین فهرستی محروم هستند. شاید نقطه قوت این مقاله شناسایی، ارجاع و معرفی فهرست نسبتاً جامعی از عناوین ترجمه در این دوران باشد. نکته دیگر این است که هیچ‌کدام از تحقیقات صورت‌گرفته، پاسخ روشن و جامعی به پرسش‌های پژوهش پیش رو ارائه نمی‌کنند.

ترجمه در ایران پیشاصفوی

گفته شده است که واژه ترجمه از ریشه «ترجومک» پهلوی در همان معنای برگردان از زبان مبدا به زبان مقصد به کار رفته است. شباهت واژه «ترجمه» به «trad» که ریشه عبارت «translation» را در انگلیسی ساخته و همچنین واژه یونانی «dragomanos» در همان معنی این گمان را تقویت می‌کند که ترجمه می‌بایست اصالتاً واژه‌ای وابسته به فارسی باشد. ترجمه برای امپراتوری موسع هخامنشی (۵۵۹-۳۲۱ ق.م) که در آن به سه زبان فارسی باستان، اکدی، و ایلامی می‌نوشته‌اند کاربرد حیاتی داشته است (جنیدی، ۱۳۸۶: ۴۶).

در دوران ساسانی نیز آثار بسیاری از زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتینی و سریانی به

1. Pierre Bourdieu
2. polysystem
3. Itamar Ewvn-Zohar

پهلوی برگردانده شد. با ورود اسلام، زبان عربی به تدریج جای زبان فارسی را گرفت. انتشار زبان عربی در کشورهای فتح شده بیم از میان رفتن زبان‌های مادری را ایجاد کرد و برای صیانت و حفظ این زبان‌ها در مقابل زبان عربی «معاجم» یا لغت‌نامه‌ها پدید آمدند. اولین این لغت‌نامه‌ها عربی به سریانی است که در قرن چهارم قمری پدید آمده‌اند. تجزیهٔ خلافت عباسی و تسلط ایرانیان و ترکان، دین و ملیت را از هم جدا کرد و زبان فارسی در ذیل دولت‌های طاهری (۲۵۹-۲۰۶ق)، صفاری (۲۴۷-۳۹۳ق)، علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰ق)، سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ق)، آل زیار (۴۳۳-۳۱۶ق)، آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ق) بالید. فرهنگ‌های تازی به پارسی از این روزگار پدید آمدند، اما بعد از قرن چهارم فارسی‌نویسی و ترجمه از متون عربی به زبان فارسی رونق یافت.

در دوران ساسانی نیز آثار بسیاری از زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتینی و سریانی به پهلوی برگردانده شد. با ورود اسلام، زبان عربی به تدریج جای زبان فارسی را گرفت. انتشار زبان عربی در کشورهای فتح شده بیم از میان رفتن زبان‌های مادری را ایجاد کرد و برای صیانت و حفظ این زبان‌ها در مقابل زبان عربی «معاجم» یا لغت‌نامه‌ها پدید آمدند. اولین این لغت‌نامه‌ها عربی به سریانی است که در قرن چهارم قمری پدید آمده‌اند. تجزیهٔ خلافت عباسی و تسلط ایرانیان و ترکان، دین و ملیت را از هم جدا کرد و زبان فارسی در ذیل دولت‌های طاهری (۲۵۹-۲۰۶ق)، صفاری (۲۴۷-۳۹۳ق)، علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰ق)، سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ق)، آل زیار (۴۳۳-۳۱۶ق)، آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ق) بالید. فرهنگ‌های تازی به پارسی از این روزگار پدید آمدند، اما بعد از قرن چهارم فارسی‌نویسی و ترجمه از متون عربی به زبان فارسی رونق یافت.

سامانیان در این دوران پیش رو بودند؛ زیرا فهم لغت عربی برای ایشان (و بعداً برای امیران آل بویه و سلجوقیان) سخت بوده است (جهان‌پور، ۱۳۶۲: ۲۲). از آن جمله به دستور امیر منصور بن نوح سامانی (۳۶۵-۳۵۰ق) ترجمهٔ دو تألیف از محمد بن جریر طبری یعنی تفسیر طبری و تاریخ الرسل و الملوک صورت گرفت؛ زیرا «دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی (طبری، ۱۳۹۹: ۵/۱). نمونه‌های دیگری از فارسی‌نویسی و ترجمه به فارسی در این دوران و ایام پس از آن این آثارند: تفسیر نسفی، کشف الاسرار میبدی، دانشنامهٔ علایی، التفهیم ابوریحان بیرونی؛ کیمیای سعادت غزالی؛ کتاب النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی؛ ترجمهٔ شهاب الاخبار قاضی ابوعبدالله قضایی؛ رسائل فارسی، شهاب‌الدین یحیی سهروردی؛ تفسیر ابوالفتوح رازی؛ اخلاق ناصری؛ اساس الاقتباس و فصول نصیری به خواجه نصیرالدین طوسی.

بسیاری از پژوهشگران تاریخ سده‌های نخستین اسلامی اهتمام به فارسی‌نویسی را هم‌راستا با نهضت شعوبیه و در جهت احیای هویت مستقل ایرانی در بودباش اسلامی تحلیل کرده‌اند (آژند و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳). ترجمه متون عربی به فارسی کماکان تا برآمدن صفویان ادامه داشت. به‌این ترتیب که مترجمان از سده ۲ تا ۵ ق به ترجمه قرآن علاقه نشان دادند و پس از آن از سده ۶ تا ۹ ق بیشتر به نگارش‌ها و آثار خانقاهی پرداخته‌اند (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۹۲). از قرن ۱۰ ق جهشی در ترجمه متون شیعی دیده می‌شود، ولی نباید از نظر دور داشت که ترجمه متون شیعه پیش‌ازاین و قبل از روی کارآمدن صفویان نیز وجود داشت و مورد توجه بود (شیخ طوسی نقل شده در جعفریان، ۱۳۸۶: ۴۸۷). این مسئله به گسترش تدریجی تشیع امامیه برمی‌گشت که از اواخر دوره عباسی تسریع یافته بود. روی کارآمدن صفویان شمار ترجمه‌های متون شیعی و تمرکز بر موضوعات متناسب با بایدهای زمانه را به دنبال داشت. تقویت هویت ایرانی و رشد تشیع امامی از پیش‌زمینه‌های مؤثر بر جریان ترجمه‌های دوره صفوی‌اند.

۱. رشد تألیفات در حوزه شیعه امامی

برای مطالعه جریان فارسی‌نویسی به‌ویژه ترجمه فارسی در قرن دهم خصوصاً آن دسته از آثاری که محتوای شیعی دارند باید از دوره مغول آغازید. عقبه فکری و تربیتی مترجمان سده ۱۰ ق پیوستگی آن‌ها را با حیات فکری علمای شیعه پس از ورود مغول و مکتب حله نشان می‌دهد. دور از انتظار نیست اگر وحدتی در موضوع میان تألیفات سده ۷ ق و پس از آن با موضوع کتب ترجمه‌شده در قرن ۱۰ ق بیابیم. از قرن ۵ ق به بعد به‌رغم تعصبی که حنابله بغداد داشتند؛ تمایل به ذکر مناقب ائمه شیعه گسترش یافت. نتیجه این امر رشد احادیث شیعه و نیز شخصیت‌های شیعه‌ای بود که در دستگاه خلافت صاحب قدرت و نفوذ بودند. این وضعیت موجب تخفیف شدت مخالفت سنیان گشت تا آنجا که آثار مستقلی از اهل سنت در موضوع مناقب و سیره ائمه شیعه نوشته شد. امامان شیعه در قرن هفتم، قرن ظهور مغولان و سقوط خلافت عباسی، مورد توجه بسیاری قرار گرفتند؛ چنان‌که ابن‌خلکان، شرح حال‌نویس، در *وفیات الاعیان*، درباره ائمه شیعه به بیان مطلب پرداخت. به تدریج ذکر ائمه شیعه در تاریخ‌های عمومی راه یافت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۸۴۲). دقیقاً کمی بعد از سقوط خلافت عباسی در نیمه دوم قرن ۷ ق کتاب *کشف الغمه* اربلی تألیف شد. اربلی در تألیف کتاب خود به‌وفور از منابع اهل سنت استفاده نمود. بی‌طرفی و سندیت *کشف الغمه* از اهم ویژگی‌هایی بود که سبب شد کتاب مذکور مورد توجه شیعه و سنی قرار گیرد. چنان‌که مؤلف نیز در مقدمه کتاب بر بی‌طرفی خویش تأکید داشته است (اربلی، ۱۳۸۱: ۱/۵-۶).

از قرن ۸ق به بعد شاهد گسترش این قبیل تألیفات با محوریت موضوعی معرفی ائمه شیعه هستیم. این آثار شیعی پسامغول بیشتر شامل مناقب، تاریخ و سیره ائمه و کلام شیعه است. دلیل این رشد آن بود که علمای شیعه در فضای باز مذهبی دوره مغولان و بعد از سقوط خلافت، می‌توانستند با سهولت بیشتری در مقام اثبات و تبلیغ باورهای خود عمل کنند. نخستین ترجمه از کشف‌الغمه مدتی بعد از تألیف آن به سال ۷۵۳ق توسط حسن بن حسین شیعی سبزواری صورت گرفت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴۷/۱۸). ترجمه‌های متعددی از کشف‌الغمه در دوره صفوی انجام شد که مترجمان و آمران و سال‌های ترجمه آن‌ها متفاوت است. نکته مهم آن است که پس از تألیف این کتاب مترجمان با رویکردهای متفاوتی به ترجمه این اثر پرداختند. فنخا در مجموع تا پایان دوره صفوی حدود شصت و هشت نسخه از آن را شناسانده است. این تعداد نسخه موجود نیز مؤید میزان توجه به میراث فکری شیعه است (درایتی، ۱۳۹۳: ۳۲۹/۲۶).

۲. رشد هویت ایرانی

چنان‌که پیش‌ازاین و در مورد ترجمه‌های مورد حمایت امیر منصورین نوح سامانی اشاره شد؛ برخی از ترجمه‌های فارسی، در مسیر هم‌سازگاری و آشتی‌جویی میان هویت ایرانی و اسلام گام برداشته‌اند. پس از قرن ۳ق به تدریج در گوشه‌وکنار سرزمین ایران حکومت‌های محلی سربرآوردند و بخشی از قلمروی خلافت عباسی را منتزع کردند.

در فقدان خلافت، خلأی سیاسی فکری پیش آمد که به‌طور طبیعی با عناصری که توان جایگزینی داشتند پر می‌شد. تلاش‌ها برای احیای هویت ایرانی با حفظ اسلام شتاب گرفت. رشد تألیفات به زبان فارسی بازتابنده چنین احیایی است. فارسی‌نویسی به معنای اهمیت یافتن مخاطب فارسی‌زبان نیز بود. تعداد پرشمار تألیفات و ترجمه‌ها به فارسی حکایت از این دارد که انتخاب زبان یعنی انتخاب گویشوران آن زبان و گزینش محتوی خاص، یعنی درک لزوم همراهی با مخاطب موافق با آن محتوی.

از ویژگی‌های مهم برخی منابع در این دوره به‌کارگیری مکرر «نام ایران و ایران‌زمین است» (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۲). استفاده از عبارت ایران و دیگر ترکیبات مشابه، گویای شناخت آگاهانه‌تر به کارگیرندگان این نام برای جغرافیا و پیشینه کهن این نام بود. ایلخانان بر قلمرو سیاسی‌ای حکمرانی می‌کردند که با جغرافیای طبیعی سرزمین باستانی ایران منطبق بود؛ به این ترتیب استفاده از نام ایران که تعیین جغرافیایی یافته بود، تعلق می‌آفرید و معرفت و شناخت عینی‌تری از هویت ایرانی به دست می‌داد.

جابه‌جایی مخاطبان و ضرورت ترجمه متون شیعی

با هجوم ایلخانان دستگاه خلافت سقوط کرد و اسماعیلیان از میان رفتند. اینان دو رقیب سیاسی و ایدئولوژیک بر سر راه شیعه امامیه بودند. تشیع اثنی‌عشری پس از این دو رویداد مهم مجال فراخ‌تری برای رشد یافت (جویی، ۱۳۸۹: ۱۸۸/۳-۱۸۶). تقریباً از همین زمان بود که فرایند جابه‌جایی مخاطبان ترجمه تسریع شد و توجه به ترجمه متون شیعی که امتداد آن را در ترجمه‌های دوره صفوی می‌یابیم افزایش یافت. ترجمه متون شیعه به زبان فارسی قابل تأمل است. به عبارتی توجه به زبان فارسی به معنای جابه‌جایی مخاطب و همچنین عطف عنان‌کردن از جغرافیای گسترده جهان اسلام به جغرافیای ایران بود. به همین دلیل است که اکثر مترجمان دوره صفوی در مقدمه ترجمه‌های خود بهره‌مندی، آگاهی یا حظ اکثریت فارسی‌زبانان را دلیل ترجمه آثار خود می‌شمردند (زواره‌ای، ۹۴۰: گ ۳؛ کاشانی، ۹۸۸: ق. گ. ۷).

در قرون منتهی به روی کار آمدن صفویان کفه ترازوی مخاطب فارسی‌زبان در حال سنگین شدن بود؛ یعنی مخاطب فارسی‌زبان اهمیت یافته است (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۲۷۵-۲۷۴). افزایش حجم ترجمه آثار شیعه به زبان فارسی در این زمان چه استنتاج تاریخی‌ای به دست می‌دهد. پاسخ می‌تواند حاوی چهار مفروض باشد:

- الف. توجه به ترجمه نشان از جابه‌جایی اولویت‌های فرهنگی هم‌راستا با حکومت دارد؛
- ب. اهمیت یافتن فارسی به نسبت زبان ترکی؛
- ج. عالمان شیعی فارس‌زبان گوی سبقت را در عده و غده از مهاجران عاملی رپوده‌اند؛
- د. عالمان شیعی، برای جامعه‌سازی حول مذهب امامیه (با طعم فرهنگ ایرانی و هویت ملی) فارسی‌زبانان را اجتماعی مطلوب یافته بودند.

برای آزمون این مفروضات می‌توان به جداول آماری فنخا رجوع کرد. گردآورندگان این اثر در جلد ۴۵ آن مبادرت به نمایش داده‌های مستخرج از نسخ خطی حول سؤال‌های مدنظر خود نموده‌اند. بخشی از تحلیل داده‌ها به مقایسه آماری تألیفات دو زبان فارسی و عربی اختصاص یافته است. از بررسی جداول، به روند افزایشی تألیفات فارسی از قرن ۷ق به بعد پی می‌بریم. شواهد تاریخی نیز از مفروضات بیان‌شده درباره چرایی این افزایش پشتیبانی می‌کنند. از قرن ۷ق به بعد شاهدیم که فاصله میان تألیفات زبان عربی و فارسی به نسبت پیش از آن، رو به تنزل دارد (درایتی، ۱۳۹۳: ۸۰۰/۴۵). فاصله مذکور در قرن دهم و یازدهم هجری قمری و نیمه اول قرن ۱۲ به کمترین میزان خود رسید. در این میان سهم ترجمه به زبان فارسی در این دوران رشد کمی نشان می‌دهد.

ما در قرن ۱۳ ق کتاب لغتی در زبان فارسی مشاهده نمی‌کنیم.^۱ اما از قرن ۵ به بعد از ۶۹ اثر فارسی در موضوعات شعر، تاریخ، جغرافیا، صرف و نحو، لغت، بلاغت، عروض و قافیه و موسیقی، تألیف ۸ عنوان لغت‌نامه به فارسی ۱/۵ درصد از مجموع این آثار را شامل می‌شود. ظهور و رشد فرهنگ لغت‌ها از قرن ۶ تا قرن ۱۲ با فراز و فرودهایی بدین شرح روبه‌رو است (درایتی، ۱۳۹۳: ۴۵/۸۳۳).

جدول ۱. نسبت تألیف کتب لغت به کل تألیفات فارسی در حوزه علوم انسانی از قرن ۶ تا ۱۲ ق

قرن ۱۲ ق	قرن ۱۱ ق	قرن ۱۰ ق	قرن ۹ ق	قرن ۸ ق	قرن ۷ ق	قرن ۶ ق	زمان
۶۹۰	۱۶۵۲	۵۹۹	۴۵۶	۳۸۱	۲۴۰	۱۵۳	کل تألیفات
۲۶	۵۷	۳۹	۲۵	۱۸	۸	۲	کتب لغت
۳/۷	۳/۴	۶/۵	۵/۴	۴/۷	۳/۳	۱/۳	نسبت کتب لغت به کل تألیفات

چنان‌که بیان شد ترجمه‌ها تأثیر قابل توجهی در کاهش فاصله تولیدات فکری به نفع زبان فارسی داشت، اما ترجمه‌های سده نخست صفوی توسط چه کسانی انجام شد و این ترجمه‌ها به چه موضوعاتی اختصاص یافته بود.

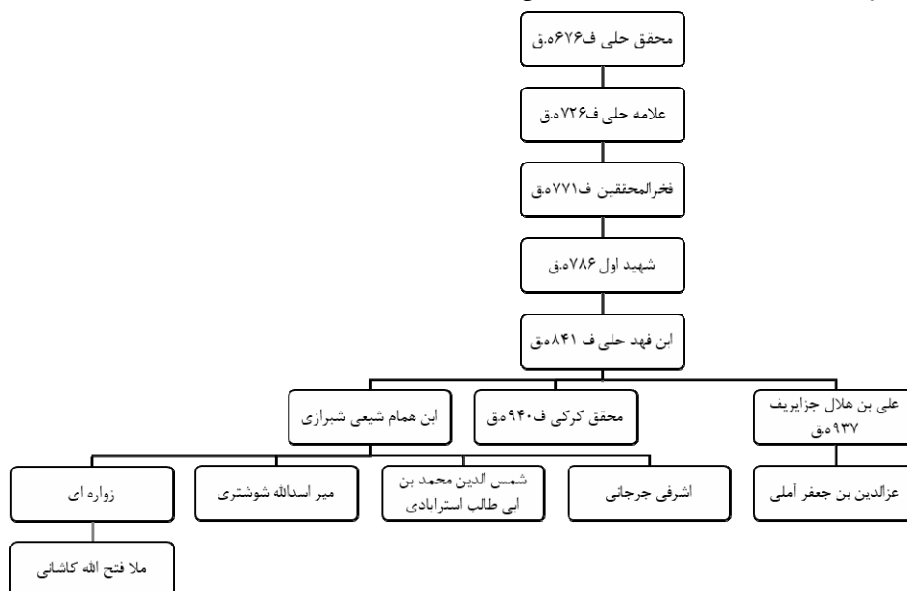
خاستگاه فکری مترجمان و حوزه‌های موضوعی ترجمه‌های سده ۱۰ ق

با بررسی فهرس موجود از نسخ خطی، بیست و نه مترجم در سده نخست صفوی شناخته شد. در برهه زمانی مذکور این مترجمان در مجموع شصت و چهار ترجمه به انجام رسانده‌اند. با احتساب دو ترجمه با مترجمانی ناشناخته، تعداد ترجمه‌ها به ۶۶ مورد به میزان ۲۲/۶ درصد از مجموع ترجمه‌های دوره صفوی می‌رسد. ۳۷ ترجمه یعنی حدود ۵۶ درصد از کل ترجمه‌های قرن ۱۰ ق، به تنهایی به هفت مترجم این سده تعلق دارد. این مترجمان پرکار، به ترتیب عبارت‌اند: زواره‌ای، عبدالحق اردبیلی، ملا فتح‌الله کاشانی، شمس‌الدین محمدبن ابی طالب استرآبادی، عبدالحی بن عبدالوهاب اشرفی جرجانی و نصیرالدین محمدبن عبدالکریم انصاری. بیست و چهار ترجمه نیز متعلق به بیست و چهار مترجم دیگر این سده است.

۱. علی نقی منزوی، فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، تهران، دانشگاه، ۱۳۷۷، نام و مشخصات این فرهنگ‌ها را از سده پنجم که قدیمی‌ترین این فرهنگ‌هاست آورده است.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۶۷

خاستگاه فکری هشت مترجم این سده از طریق محقق کرکی (درگذشته ۹۴۰ق) با چند واسطه به محقق حلی (درگذشته ۶۷۶ق) می‌رسد. از میان این هشت مترجم، سه تن در شمار پرکارترین مترجمان سده ۱۰ق به شمار می‌آیند. محقق کرکی خود از شاگردان ابن‌فهد حلی و از تربیت‌شدگان مکتب حله بود. حله پس از هجوم مغولان به مهم‌ترین حوزه علمی شیعیان امامیه تبدیل شده بود. در میان این مترجمان میراسدالله شوشتری و زواره‌ای از شاگردان محقق کرکی و مترجم تألیفات او بودند (روملو، ۱۳۸۹: ۱۳۹۸/۳).
تلاش شده است در نمودار شماره ۱ ارتباط مترجمان با مکتب حله که از طریق روابط شاگرد و استادی تقویت یافته بود، نمایش داده شود.



نمودار ۱. ارتباط مترجمان سده ۱۰ق با مکتب حله

همان‌گونه که مشاهده می‌شود سه تن از مترجمان سده ۱۰ق که بخش عمده‌ای از ترجمه‌های این سده را به خود اختصاص داده‌اند با مکتب حله ارتباط می‌یابند. سی و شش ترجمه یعنی حدود ۵۴ درصد از تعداد کل شصت و شش ترجمه سده ۱۰ق مربوط به تألیفات قرن ۷ق به بعد است. به این ترتیب می‌توان تأثیر تولیدات فکری مربوط به بعد از قرن ۷ق را در مترجمان سده نخست حیات صفوی مشاهده کرد (هالم، ۱۳۸۵: ۱۶۳) و اجمالاً به این نتیجه نزدیک شد که مترجمان سده نخست صفویه از اندیشه‌های قرن ۷ق به بعد تأثیر گرفته‌اند. همچنان با داوری براساس حجم نوشته‌های فارسی می‌توان گفت فضای فکری سده ۱۰ق

بیشتر متأثر از ترجمه متون قرن ۷ق به زبان فارسی است.

محتوای مشترک تمامی شصت و شش ترجمه سده ۱۰ق تاریخ و سیره ائمه شیعه اثنی عشری، کلام و اعتقادات، حدیث و فقه و اصول است. سی و شش مورد، از این ترجمه‌ها به دربار حاکمان محلی یا دربار شاه صفوی اهدا یا به دستور آنها صورت گرفته است. این تعداد ترجمه حدود ۵۴ درصد از کل شصت و شش ترجمه سده ۱۰ق را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۲ نمایش داده شده است؛ تعداد قابل توجهی از این ترجمه‌ها به دستور شاه طهماسب انجام یا به او اهدا شده است.

جدول ۲. آمار مترجمان و حامیان ترجمه سده ۱۰ق

مترجمان	تعداد ترجمه	آمران و مشوقان
محمد حسین بن هادی، زین الدین علی، محمد بن امیر فخری هروی	۳	شاه اسماعیل اول
علی بن حسن زواره‌ای، کمال الدین حسین عبدالحق اردبیلی، ملا فتح الله کاشانی، شمس الدین محمد بن ابی طالب استرآبادی، نورالدین عبدالحسین کاشانی، نورالدین عبدالحسین بن عبد الوهاب الحسینی، عبدالحی بن عبد الوهاب اشرفی جرجانی، ابراهیم بن ولی الله حسینی استرآبادی، سید محمد مهدی موسوی رضوی	۲۰	شاه طهماسب
ملا فتح الله کاشانی	۱	شاه اسماعیل دوم
سید عزیز الله، ابوالفتح حسینی	۲	شاهزاده سلطانم
علی بن حسن زواره‌ای، کمال الدین حسین عبدالحق اردبیلی، نعمت الله بن قریش رضوی حسینی مشهدی، عزالدین بن جعفر آملی، شمس الدین محمد بن ابی طالب استرآبادی، عبدالحی بن عبد الوهاب اشرفی جرجانی، نصیر الدین محمد بن عبد الکریم انصاری	۱۰	امرا و حکمرانان ایالات

آنچه مترجمان سده نخست صفوی، از درون ترجمه‌های انجام شده می‌جستند گشودن باب معرفتی جدیدی بود که بر معارف امامان شیعه متکی باشد. معارفی که تا پیش از این استفاده از آنها را به سبب دوری از مشرب امامان، مهجور یافته بودند. با این تلقی بود که با وجود ترجمه‌های متعدد از قرآن، ترجمه و تفسیر مجدد آنها احساس می‌شده است. علی بن حسن زواره‌ای (حیات تا ۹۶۱ق) در تفسیر خود، ترجمه *الخواص*، بر این نکته تأکید گذاشته بود که

ترجمه‌های موجود قرآن خالی از نگاه ائمه شیعه است یا این که مترجمان پیشین به دلیل تقیه یا دلایل دیگر از پرداختن به آیاتی که مؤید حقانیت ائمه شیعه است شانه خالی کرده‌اند. زواره‌ای همین اشکال را بر ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ق) وارد کرده و می‌گوید در «ترجمه مواهب‌علیه نورالله مرقدها مؤلف... به قدر احتیاج به شرط توافق منظور داشته و از برای سهولت طالبان طریق اطناب را گذاشته» (زواره‌ای، ۹۴۰ق: گ. ۲). ملافتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸ق)، شاگرد زواره‌ای، نیز با همین دیدگاه تفسیر خود، با عنوان *منهج الصادقین* را تألیف کرد.

میراث مکتوب مورد علاقه مترجمان چندان نیز به سهولت قابل دسترسی نبود. در یک مورد ابراهیم‌بن‌ولی‌الله حسینی استرآبادی مترجم *رساله حسنیه* بیان می‌کند؛ این کتاب کمیاب را در سفر حج و به‌طور اتفاقی در دمشق یافته و در آنجا رونوشتی تهیه و پس از رسیدن به ایران ترجمه کرده است (استرآبادی، قرن ۱۰ق: گ. ۲).

تغییر در فضای فکری و خاستگاه مترجمان جریانی دارد. این جریان می‌گوید که شرایط در سده ۷ ق به گونه‌ای بود که علما عموماً اصولی تربیت می‌شدند (صدر، ۱۳۸۲: ۵۷). این جریان در ترجمه‌های انجام‌شده در سده ۱۰ق اثر خود را گذاشت، اما در سده ۱۱ق جریانی اعتراضی با ادعای انحراف اصولیون از معرفت ناب ائمه شیعه پدید آمد. این جریان فکری که به اخباری‌گرایی منتهی شد بر بال همین نوع ترجمه‌ها و تا پایان کار صفویه مدام فربه‌تر شد و هر دم بیشتر اوج گرفت. همچنین اهداف و انگیزه‌های دیگری را در مترجمان سده ۱۱ق برانگیخت. اگر هدف و انگیزه مترجمان و آمران‌شان پیش از این در سده ۱۰ق و در گذار از تسنن به تشیع صرفاً جمع‌آوری و بیان معارف شیعی بود، ترجمه‌های سده ۱۱ به بازنگری آن معارف و تدارکات فکری و تلاش در جهت چارچوب‌مندی اندیشه شیعه امامیه راجع است.

چارچوب‌مندی شیعه امامیه (چرخش در روش - اصلاح زاویه‌ها)

سامانه معرفتی شیعه امامیه با آمدن صفویان در طی قرن ۱۰ق در جامعه ایران نضج گرفت، ولی به تدریج از قرن ۱۱ق شاهد انشعاباتی در درون آن هستیم (صفت گل، ۱۳۸۹: ۱۸۹). اصولیون و اخباریون دو جریان مهم درون این سامانه هستند. در نیمه اول قرن ۱۱ق ملامحمد امین‌بن‌محمد شریف استرآبادی متخلص به محمدامین استرآبادی (درگذشته ۱۰۳۶ق) شاگرد میرزا محمد استرآبادی (درگذشته ۱۰۲۸ق) رویکردی مخالف با رویکرد عمدتاً اصولی اندیشمندان و مترجمان قرن ۱۰ق در پیش گرفت.

او روش هر کدام از متقدمان خود و هر کسی که ارتباط فکری‌اش به شیخ مفید می‌رسید را

۷۰ / تحول موضوع و خاستگاه ترجمه‌های عربی به فارسی ... / بذرگر خضر بیگی و رجایی

رد کرد و معتقد بود شیخ مفید در بغداد متأثر از مذهب عامه دچار انحراف شده استر (استرآبادی، ۱۰۳۴ق: گ. ۱۸۱). استرآبادی در عوض، منابع اصیل حدیث و متون و منابع سده‌های نخستین را به مرکز توجه کشاند (سماهیجی، ۱۱۳۵ق: گ. ۳۷۸). استرآبادی در تألیفات اثر گذار خود، *الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد فی نفس الاحکام الالهیه و دانشنامه شاهی*، اهم تفاوت‌های موجود بین روش خود با خوانش رقیب را برشمارد.

جدول ۳. نمودار زمانی تألیفات ترجمه‌شده در سده ۱۱ق

ترجمه‌های سده ۱۱ق											
تاریخ تألیفات ترجمه‌شده به تفکیک قرن											
قرن	۱۱ق	۱۰ق	۹ق	۸ق	۷ق	۶ق	۵ق	۴ق	۳ق	۲ق	۱ق
تعداد تألیفات به تفکیک قرن	۲۸	۱۱	۶	۴	۱۴	۶	۴	۲۳	۲	۹	۱۵
جمع	۳۹		۲۴			۵۹					
مجموع ترجمه‌ها ۱۳۳											

جدول شماره ۳ از روی تاریخ تألیفات ترجمه‌های قرن ۱۱ تنظیم شده است. تمرکز بر روی تألیفات مورد علاقه مترجمان سده ۱۱ق متأثر از تغییر رویکرد علما و مترجمان این سده بود. این چرخش چنان‌که بیان شد حاصل بازنگری در روش‌های معرفت‌شناختی‌ای بود که محمدامین استرآبادی خود را محیی آن می‌دانست.

تحول درونی شیعه امامیه (غلبه گرایش اخباری)

امتزاج روش‌های مختلف در میان عالمان، ماحصل به میراث رسیده از دوران پسامغول بود که در میان علمای شیعه نیز وجود داشت (الشیبی، ۱۳۹۶: ۹۱)، اما نتایج برآمده از تحول روش‌شناختی شیعه سر سازگاری چندانی با دیگر روش‌ها (حکمت، فلسفه، تصوف، اصولی‌گرایی) نداشت. شاید به‌غیر از مشرب افراد محرک دیگری در دلایل گرایش به هر یک از این روش‌ها نتوان یافت، اما این گمان که پاره‌ای از آن‌ها توأم با جاه‌طلبی یا تبلیغ منظورمند و برای جذب حداکثری مخاطب بوده باشد دور از باور نیست. با تشکیل حکومت صفوی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۷۱

گفتمان شیعی جای‌گیر شد. با گسترش تشیع امامی سایر گفتمان‌ها بلکه سامانه‌های معرفتی رقیب (فلسفه، تصوف و کلام غیر شیعی) به حاشیه رفتند؛ ولی روش‌های آن‌ها کماکان باقی بود.

محمدامین استرآبادی واضع روش اخباری در کتاب معروف خود *فوائد المذنبه* دانشمندان را به شش دسته اشراقیان، صوفیان، متشرعین، متکلمین، مشائیان و پیروان اهل بیت تقسیم کرد. این شش گروه شش روش معرفتی را نمایندگی می‌کردند (استرآبادی، ۱۳۸۱ق: گ. ۲). استرآبادی روش پیروان اهل بیت را که مبتنی بر تعلیم و تسلیم بود دارای برتری می‌دید و به ترویج آن پرداخت. گستره نفوذ متعلقان این روش چنان غلبه یافت که فیض کاشانی در سال‌های پایانی عمر خود در پاسخ به اشکالاتی که به وی نسبت می‌دادند می‌گفت: نه متشرع نه متکلم نه متصوف نه متفلسفم بلکه پیروی ساده اهل بیتم (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۵). توجه به سیره و روش ائمه شیعه نیز از دوره مغول مورد توجه بود، لیکن از ابتدای دوره صفوی، از خلال ترجمه‌های سده ۱۰ق که بیشتر موضوعات آن سیره و روش زندگی ائمه بود تقویت یافته بود. روش ششم معرفتی که استرآبادی بر آن صحنه گذاشت و در تقویت و اثبات این روش کوشید همان نگاه اخباری‌گرا بود.

صفت‌گل، قرن ۱۱ق را قرن آغاز گرایش‌های عرفانی، حکمت و نیز اخباری‌گری نزد پیروان امامیه می‌داند. از میان این گرایش‌ها، اخباری‌گری در سده ۱۱ق رو به گسترده‌گی گذاشت. این گرایش پیش از این در میان شیعیان امامیه وجود داشت. اهل سنت نیز چنین گرایشی با عنوان محدثین و اهل اخبار داشتند. محققان درباره زمینه‌های برآمدن اخباریون در دوره صفوی اشاره می‌کنند که هرچه بر عمر گرایش‌های فقهی افزوده می‌شد بخش بیشتری از عناصر اثرگذار در رده‌های بالای ساختار دینی و نیز در قدرت به سمت اخباری‌گری متمایل می‌شدند (صفت‌گل، ۱۳۸۹: ۵۹۹؛ فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۱۵۸). با وجودی که تلاش در جهت ترجمه متون حدیث به برآمدن و تقویت گرایش اخباری مدد رسانده است؛ اما محققان ترجمه را به عنوان شاخصی برای نشان دادن رشد اخباری‌گرایی کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. با توجه به پی‌آمد تغییراتی که در جامعه نخبگانی شیعه پس از قرن ۱۰ق رخ نموده بود، نمی‌توان از بررسی موضوع ترجمه‌ها و خاستگاه مترجمان سده ۱۱ق، به‌خصوص با رابطه‌ای که آن‌ها با طبقه دینی، دیوانی داشته‌اند به‌سادگی عبور کرد.

تغییر در موضوعات و خاستگاه مترجمان سده ۱۱ق

بررسی تألیفات ترجمه‌شده سده ۱۱ق نشان می‌دهد که شمار ترجمه‌ها و مترجمان افزایش

۷۲ / تحول موضوع و خاستگاه ترجمه‌های عربی به فارسی ... / بذرگر خضر بیگی و رجایی

چشمگیر یافته است. جامعه شیعی در حال نضج گرفتن بود و در فرایند جایگیری تشیع، کتب حدیث، فقه و احکام و کلام شیعی بیشترین توجه مترجمان را به خود جلب کرده بود. شمار عددی ترجمه‌های این سده کمی بیش از دو برابر ترجمه‌های سده ۱۰ق است. صدوسی و سه ترجمه شناخته شده این سده متعلق به هشتاد و دو مترجم است. با احتساب چهار ترجمه مجهول‌المترجم جمعاً هشتاد و شش مترجم را می‌توان شناخت. برای درک تحول موضوعات ترجمه و مقایسه آماری مترجم‌ها به جدول ۴ بنگرید.

جدول ۴. مقایسه موضوعات مورد علاقه مترجمان قرن ۱۰ و ۱۱ق

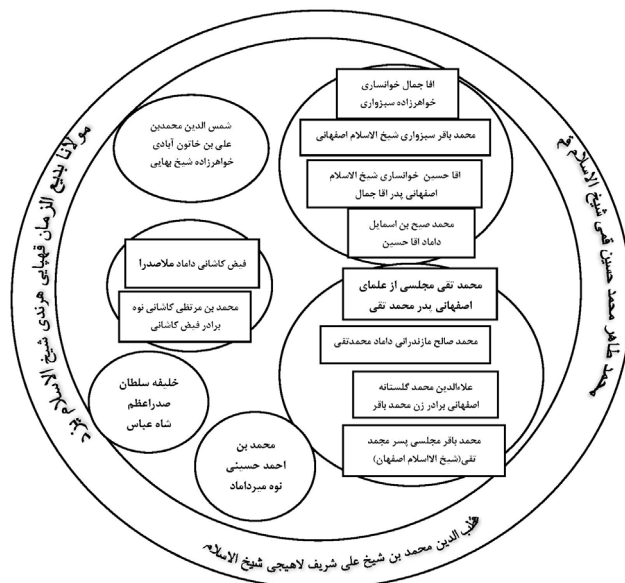
زمان	قرن ۱۰ق	زمان	قرن ۱۱ق
تعداد ترجمه	۶۶	تعداد ترجمه	۱۳۳
تعداد مترجمان	۲۹	تعداد مترجمان	۸۶
موضوع	فراوانی	موضوع	فراوانی
کلام و اعتقادات	۱۹	حدیث	۴۱
حدیث	۱۶	کلام و اعتقادات	۲۹
سیره و مناقب ائمه	۱۱	فقه و اصول شیعه	۲۱
فقه و اصول شیعه	۹	ادعیه	۲۱
ادعیه	۸	اخلاق	۱۰
ترجمه و تفسیر قرآن	۵	ترجمه و تفسیر قرآن	۸
اخلاق	۳	سیره و مناقب ائمه	۳

در مقایسه بین موضوع ترجمه‌های سده ۱۰ق، دوره استقرار و ۱۱ق، دوره تثبیت، تفاوت محسوسی دیده می‌شود. به دنبال این تغییرات چنان‌که در جدول ۳ نمایش داده شد؛ مترجمان سده ۱۱ق در جست‌وجوی موضوعات مورد علاقه خود به تألیفات پیش از قرن ۱۱ق تمایل یافتند. از این میان، کتبی با موضوع حدیث ۳۰ درصد ترجمه‌های سده ۱۱ق را به خود اختصاص داده‌اند. از میان کتب اربعه حدیث کتاب *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق و *اصول کافی* کلینی در این سده ترجمه شده‌اند. در این سده بر شمار کتب اربعین حدیث نیز افزوده

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۷۳

شده است. در اواخر همین قرن شاهد تدوین جوامع معروف حدیث شیعه از جمله *الواقفی*، *وسائل الشیعه* و *بحار الانوار* هستیم.

تغییر در موضوع ترجمه‌های سده ۱۱ق در پی تغییر خاستگاه و شرایط زمانی مترجمان این قرن ایجاد شد. «ساختار دینی در سده ۱۱ق. تکمیل و پیوستگی آن با نهاد قدرت افزایش پیدا کرد. این امر سبب پیوند و اتکای بیش از پیش نظام سیاسی به ساختار دینی و بر عکس شد. به سخن دیگر نظام سیاسی و ساختار دینی سخت به یکدیگر وابسته شدند و در شکل‌گیری ساختار نهاد دینی - دیوانی سرنوشت این دو ساختار به هم پیوند خورد» (صفت‌گل، ۱۳۸۹: ۱۸۵). تغییر خاستگاه مترجمان سده ۱۱ق یکی از نتایج تکوین ساختار دینی جدید بود. در میان مترجمان سده ۱۱ق صاحب منصبانی چون شیخ‌الاسلام‌ها دیده می‌شوند که به ساختار دینی - دیوانی تعلق دارند. شماری دیگر از آنها از طریق پیوندهای سببی با این نهاد ارتباط می‌یافتند. برای درک بهتر خاستگاه مترجمان این سده نمودار شماره ۲ تهیه شده است. با این توضیح که تلاش شده وابستگی سببی و نسبی مترجمان این سده به ساختار جدید نهاد دینی - دیوانی نمایش داده شود.

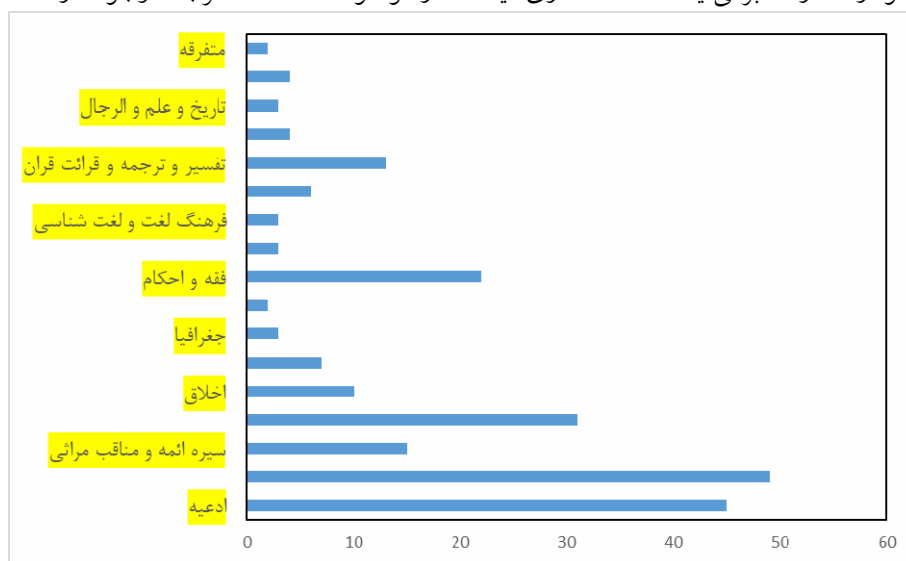


نمودار ۲. روابط سببی و نسبی مترجمان و ارتباط آنها با نهاد دینی - دیوانی^۱

۱. این نمودار با بهره‌جویی از منابعی چون افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، لؤلؤ البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، حرعاملی، محمدبن‌حسن، امل الأمیل فی علماء جبل عامل، مدنی شیرازی، سیدعلی‌خان، سلافه العصر فی محاسن الشعرا به‌کل مصر تهیه شده است.

در حالی که جدول شماره ۴ از برتری کمی ترجمه و تعداد مترجمان سده ۱۱ق و رونق جریان ترجمه حکایت دارد؛ منابع تاریخی این سده نیز صحت آمارها را تأیید می‌کنند. مترجم مجهول الهویه *تاریخ الحکما* که ترجمه‌اش را اواخر قرن ۱۱ق به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است، می‌گوید: «اکثر علوم متداوله عقلیه و نقلیه، به مساعی جمیله علما اعلام این عهد خجسته آغاز فرخنده انجام، شکرالله تعالی مساعیهم، از لباس الفاظ عربی در کسوت لغت فارسی بر بالغ نظران عرصه دیده‌وری جلوه‌گری آغازیده و انتشار حقایق و معارف به درجه‌ای رسیده که عموم اهالی ایران جنت‌نشان، سیما اعظام امرا دولت و نزدیکان حضرت سلطان به فروغ [فروع] فطر مستقیم بی‌میانجی کلفت تعلم و تعلیم نشیب‌وفراز عوالم علوم به اقدام تتبع و تطلع پیموده‌اند» (*تاریخ الحکما*، ۱۳۴۷: ۲)

مترجم *تاریخ الحکما* درباره رشد کمی شمار کتب ترجمه درست می‌گوید. در کنار این رشد توافقی میان کمیت موضوعات ترجمه در علوم عقلی و نقلی دیده نمی‌شود، چنان‌که از نمودار شماره ۳ برمی‌آید فاصله معناداری میان شمار موضوعات مختلف ترجمه وجود دارد.



نمودار ۳. تفکیک موضوعی کل ترجمه‌های صفوی

بیست و هفت مورد از ترجمه‌های قرن ۱۱ق با حمایت شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی انجام و به آن‌ها تقدیم شده است (بنگرید به جدول شماره ۵). این میزان ۲۰/۳ درصد از کل ترجمه‌های سده ۱۱ق را دربرمی‌گیرد.

جدول ۵. حامیان و مترجمان سده ۱۱ ق

مترجمان	تعداد ترجمه	مشوقین و حامیان
سان الیزئو، محمد حسین بن ابی محمد مشهد، شمس‌الدین محمد رضوی، محمدتقی حسینی، صدرالدین محمد تبریزی	۶	شاه عباس کبیر
ابوالمظفر محمدجعفر حسینی، جمعی از علما	۲	آغا بیگم
شیخ الاسلام مولانا بدیع الزمان هرنندی قهپایی، محمد مقیم‌بن میرزا علی، عادل بن علی عادل عادل‌شاه خراسانی، خلیفه سلطان، محمد صالح بن مسعود دستغیب	۵	شاه صفی
فیض کاشانی، محمدتقی مجلسی مولانا خلیلالله غازی قزوینی، محمدباقر بن محمد مؤمن محقق سبزواری، محمد نصیر بن قاضی بن کاشف الدین محمد یزدی، میرزا اسماعیل بن حسین تبریزی، میرزا محمدتقی بن خواجه محمد تبریزی، محمد مهدی بن محمد صالح رضوی، محمد طاهر محمد حسین قم.	۱۱	شاه عباس دوم
علاءالدین محمد طیب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، سید علی بن محمد بن اسد الله امامی، اصفهانی معروف به مترجم، ملا محمد شریف بن احمد بن سدید شعبی گیلانی، میرزا علی‌رضای تجلی شیرازی، محمد مهدی بن عنایت الله طیب قمی، محمد کاظم بن شاه محمد تبریزی، محمدباقر بن ابوالفتح موسوی شهرستانی، قطب‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی، محمد مسیح بن اسماعیل، محمد رفیع پیرزاده، ماجد بن محمد حسینی بحرانی، محمد اشرف بن علی نقی اقدس شریف حسینی مشهدی	۱۶	شاه سلیمان
محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، مولانا خلیل الله غازی قزوینی، حسین بن عبدالوهاب طباطبایی بهبهانی، محمد اشرف، ظهیرالدین تفرشی، عادل بن علی عادل (عادل شاه خراسانی)، نظام‌الدین احمد غفاری قزوینی مازندرانی، محمد سمیع بن محمد مؤمن، میرزا محمود بن میرزا علی، ملا محمد مراد بن عبدالرحمن، علی بن طیفور بسطامی، حسن بن سعد قاینی، محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی ملقب به مترجم.	۱۳	امرا و حکمرانان ایالات

ترجمه، بازنویسی و بازپیرایی آثار غیرشیعی

در کنار ترجمه کتب معتبر شیعه، دسته‌ای از کتاب‌ها با حواشی نادلخواه یا اضافات مغایر با گفتمان در حال رشد شیعه امامیه وجود داشت که به تدریج تنقیح و سپس ترجمه یا دوباره تحریر و به این ترتیب احیا و به درون جامعه شیعی انتقال می‌یافت. در سده ۱۰ ق نیز به شکل دیگری نمونه‌هایی از ترجمه‌های غیرشیعی وجود داشت. از آن جمله می‌توان به ترجمه *التقایه* با موضوع فقه حنفی اشاره کرد. این ترجمه در ۹۳۷ ق یعنی اوج نزاع صفویان و ازبکان در خراسان انجام شد. پیرامون آن مبسوط در مقاله منتشر نشده‌ای با عنوان «جغرافیای ترجمه و پهنه زمانی انتشار ترجمه‌های دوره صفوی» سخن رفته است.

منابع صفوی از اواسط قرن ۱۱ ق از بروز مخالفت‌هایی با ترجمه برخی از آثار خبر می‌دهند. چنین به نظر می‌رسد که عالمانی خارج از اراده نهاد دینی - دیوانی به صورت غیر رسمی دست به چنین ترجمه‌هایی زده باشند. حال سؤال قابل تأمل این است که با ترجمه چه متونی در دوره صفویه مخالفت شد و دلایل مخالفان از ممانعت با ترجمه این قبیل آثار چه بود.

نویسنده *همم‌الثواقب* از مخالفان سرسخت ترجمه یکی از آثار غزالی بود. علی‌نقی‌بن‌محمد هاشم طغائی کمره‌ای که معاصر شاه صفی است در واکنش به ترجمه این اثر چنین می‌گوید: «در تحت سریر سلطنت این پادشاه... امر کردن به شرح و فارسی‌نوشتن بر کتاب موسوم به *احیاء العلوم* تصنیف غزالی که بزرگ‌تر علمای سنیان بی‌ایمان است چون مشتمل است بر عقیده فاسده ایشان... از جمله کتاب ضلال است و حفظ و نشر مواضع ضلال از آن هرگاه مقام تقیه و غرض نقض... در آن نبوده باشد جایز نیست» (طغائی کمره‌ای، ۱۰۷۴: ۷۰). او با برشمردن دلایل بی‌شمار بر رد غزالی و منع ترجمه این قبیل کتاب‌ها می‌گوید: «معرفت الهی را نباید از اعداء فرقه ناجیه جُست» (همان: ۶۸). اظهارات او از این باور سرمنشأ می‌گرفت که هر آنچه لازم بوده است در «دوره شاه جنت‌مکان علیین آشیان شاه طهماسب... انجام شده» (همان: ۷۴). شدت و حدت محتوای *همم‌الثواقب* در نقد *احیاء العلوم* و کتاب شیخ فضل‌الله هندی، به تألیف وی شکل و قالب ردیه داده است، گونه‌ای نگارش که در گذر به سوی دوران پایانی عمر صفویه افزایش یافت.^۱ به نظر می‌رسد شیعه امامیه در اواخر دوره صفویه قدرت جذب خود را از دست داده بود؛ از این رو به جای پذیرش، هضم و در نتیجه انبساط زاویه دید به موضع‌گیری انفعالی پرداخته و با تخطئه دیدگاه‌های رقیب زمینه حذف آن‌ها را دنبال می‌کرد.

۱. برای مطالعه درباره ردیه‌نویسی در قرون متقدم بنگرید به: «نسبت‌سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه‌نگاری‌های شیعیان (تا نیمه اول قرن پنجم هجری)».

همان‌گونه که بیان شد، نخستین تلاش برای ترجمه این اثر توسط ملاصدرا با واکنش شدید گروهی از علمایی که این قبیل تألیفات را از قلم «اعداء فرقه ناجیه» می‌دانستند، مواجه شد. به‌رغم مخالفت‌هایی که در شرح و ترجمه کتاب غزالی توسط ملاصدرا وجود داشت، بنابه دلایلی که فیض کاشانی در مقدمه *محجّه البیضا* برشمرده به‌طور جدی به احیاء آن می‌اندیشیده است. با وجود مخالفت‌های اولیه، *احیاء علوم الدین* توسط فیض کاشانی با حذف و اضافات و تلخیص و تألیفی دوباره تحریر و با عنوان *المحجّه البیضا فی احیاء الاحیاء یا المحجّه البیضا فی تهذیب الاحیاء* عرضه شد. از وجود مخالفت‌هایی که ترجمه این اثر برانگیخته است می‌توان به تفاوت مواضع علمای شیعه دربارهٔ برخورد با مثال چنین آثار و نویسندگان سنی آن پی‌برد. چنان که گفته شد کتاب غزالی با تهذیب و تألیف به زبان عربی عرضه شد. فیض کاشانی در اواخر عمر کتاب *الحقایق* را که در واقع خلاصه‌ای برگرفته از کتاب *محجّه البیضا* بود تألیف کرد. این کتاب مدتی بعد توسط برادرزاده‌اش به فارسی ترجمه شد.

اما صحبت پیرامون ترجمه و شرح *احیاء العلوم* بدون شنیدن سخن موافقان این اثر ناقص خواهد ماند. فیض کاشانی دلیل پرداختن به *احیاء العلوم* غزالی را چنین بیان داشته است: «این کتاب در همهٔ کشورها مانند خورشید در نیمروز، مشهور و مشتمل بر علوم دینی است که برای آخرت سودمند می‌باشد و پایبندی به آن‌ها می‌تواند مایهٔ رستگاری و رسیدن به درجات عالی اخروی شود، علاوه بر این‌ها از حسن بیان و شیوایی نگارش و زیبایی ترتیب و تدوین برخوردار است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۹: ۱ / ۵۹).

نتیجه‌گیری

تأثیراتی که ترجمه‌های دورهٔ صفویه بر مذهب تشیع، حکومت صفوی و تاریخ ایران گذاشت؛ پرداختن به موضوع ترجمه را ضرورت می‌بخشد. مترجمان و آمرانشان در ترجمه‌های این دوره با انگارهٔ احیای معارف شیعه گام در این راه نهادند. از این‌رو است که برای احیای سخن ائمهٔ شیعه به ترجمه و نشر متون شیعه‌ای که تا سدهٔ ۹ باقی مانده بود پرداختند. تلاش‌ها پیرامون ترجمهٔ متون شیعی هرچند اندک، اما زمینه‌های پیشینی داشت.

در بررسی ترجمه‌های صفوی سه دوره قابل رؤیت مشاهده می‌شود: دورهٔ اول ترجمه‌ها که متون نوشته‌شده به دست عالمان اصولی سدهٔ هفتم و پس از آن را در بر می‌گیرد، مربوط به قرن دهم هجری قمری است. وسعت‌نظر و مشرب‌باز مؤلفان در انتخاب گونه‌های روشی رایج از جمله ویژگی‌های تألیفات دوران پس از حملهٔ مغول است، به‌این‌ترتیب مؤلفان این دوران به روش‌ها و سامانه‌های معرفتی رقبا نزدیک می‌شوند. ویژگی‌ای که از آن می‌توان به بهره‌گیری

مؤلفان از شیوه‌های رایج در میان جریان‌های رقیب تعبیر کرد. در واقع از قرن ۷ به بعد آثار قابل توجهی با موضوع تاریخ، سیره و مناقب ائمه شیعه و کلام شیعی تألیف شد. در جریان ترجمه‌های قرن ۱۰ ق همین موضوعات ترجمه شد. بررسی کمی ترجمه‌ها نشان می‌دهد شاه طهماسب در صدر حامیان ترجمه‌های سده ۱۰ ق قرار دارد. به نظر می‌رسد در سده ۱۰ ق توجه مترجمان به توسعه معارف شیعه اثنی‌عشری بوده است.

تغییر در اولویت موضوعات ترجمه و برتری کمی موضوع حدیث، جریان غالب ترجمه در سده ۱۱ ق است. این جایگزینی در پی تغییر رویکرد حاصل از اندیشه‌ورزی استرآبادی روی داد. وی روش ائمه شیعه را اصح روش‌ها می‌دانست. در واقع محمد امین استرآبادی، سلسله فکری اصولی‌ای که به شیخ مفید می‌رسید را به چالش کشید؛ بنابراین متون مورد توجه مترجمان قرن ۱۰ ق در قرن ۱۱ ق تغییر کرد و تمایل به موضوع حدیث و ترجمه تألیفاتی که نزدیک به زمان معصوم بود مورد توجه قرار گرفت. این تلاش در سده ۱۱ ق به اوج خود رسید و خروجی و نتیجه آن جمع‌آوری و تدوین جوامع بزرگ حدیث بود.

به سخنی دیگر ترجمه‌ها متأثر از نگرش جدیدی بودند که رسالت خود را در اصلاح آنچه کاستی می‌پنداشتند و شناسایی آنچه خلل معرفتی شناخته بودند، می‌دیدند. مباحث پرحاشیه‌ای که بر سر ترجمه برخی از آثار سده ۱۱ ق وجود داشت حکایت از انشقاق در درون شیعه امامیه و غلبه گرایش اخباری داشت.

موج سوم ترجمه در سده ۱۲ ق با غلبه اخباری‌گری پایان یافت. تحریک گسل‌ها و افراط در برداشت‌ها، با وجود ترجمه‌هایی چون ترجمه خطبه شقشقیه و فدکیه را شاید بتوان ویژگی ترجمه‌های این سده دانست.

منابع

ابن‌ابی‌الخیر، شهرمدان (۱۳۶۲) *نزهت‌نامه علایی*، تصحیح فرهنگ جهان‌پور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق) *کشف الغمه فی معرفه الائمة*، تبریز: بنی‌هاشم.

استرآبادی، ابراهیم بن ولی الله (۱۰۹۷ ق) *رساله حسنیه*، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه خطی به شماره مسلسل ۹۹۸۷.

استرآبادی، محمد امین بن محمد شریف (۱۰۳۱ ق) *دانشنامه شاهی*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی به شماره مسلسل ۲۷۹۳/۱.

_____ (۱۰۳۱ ق) *دانشنامه شاهی*، تاریخ کتابت ۱۰۹۱ ق، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه خطی به شماره مسلسل ۵۱۷.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۷۹

افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۶۶) *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵) *چالش میان فارسی و عربی سده‌های نخستین*، تهران: نشر نی.

آزند، یعقوب و دیگران (۱۳۸۰) *تاریخ‌نگاری در ایران*، تهران: انتشارات گسترده.

بحرانی، یوسف‌بن‌احمد (بی‌تا) *لؤلؤء البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، قم: مؤسسه آل‌البیت.

تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳ق) *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.

جعفریان، رسول (۱۳۸۶) *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: نشر علم.

جنیدی، فریدون (۱۳۸۶) *فرهنگ هنروراش‌های دبیره پهلوی*، تهران: انتشارات بلخ.

جوینی، علاء‌الدین عظاملک محمد (۱۳۸۹) *تاریخ جهان‌گشای جوینی*، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: اساطیر.

حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۳۸۵ق) *امل الامل فی علماء جبل عامل*، بغداد: مکتبه الاندلس.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۳) *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رضایی، محمد (۱۳۹۵) «بازشناسی تشیع و هویت ایرانی در اندیشه فرهیختگان ایرانی پیش از سقوط خلافت عباسی»، *شیعه‌پژوهی*، (۸)، صص.

روملو، حسن‌بیک (۱۳۸۹) *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.

زواره‌ای، ابوالحسن علی‌بن‌حسن (۹۳۵ق) *طراوة الطائف در ترجمه الطرائف فی معرفه مذاهب*، تهران: کتابخانه ملک، به شماره مسلسل ۱۲۶۴.

_____ بی‌تا، *ترجمه الخواص*، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه خطی به شماره مسلسل ۱۲۱۹.

سماهیجی، عبدالله‌بن‌صالح (۱۱۲۶) *تالیف، منیه الممارسین فی اجوبه مسائل الشیخ یاسین*، تاریخ کتابت اواخر قرن ۱۲ق، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی به شماره مسلسل ۱۹۱۶.

الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۹۶) *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.

صدر، محمدباقر (۱۳۸۲) *درآمدی بر تاریخ و تحول علم اصول*، ترجمه و نگارش عباس اسداللهی سهی، تهران: انتشارات مکتب الزهرا.

صفت‌گل، منصور (۱۳۸۹) *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۹۹) *ترجمه تفسیر طبری*، تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طغائی کمره‌ای، علی‌نقی‌بن‌محمد هاشم (۱۰۵۲ق) *همم الثواقب*، تهران: کتابخانه سپهسالار، نسخه خطی به شماره مسلسل ۱۸۴۵.

- عابدین پور، وحید؛ کجباف، علی اکبر؛ سمایی دستجردی، معصومه (۱۳۹۹) «اهمیت «انجامه‌ها» در شناخت ارزش‌های تاریخی نسخه خطی جنگ احمد غلام (۱۱۴۲-۱۳۵۱ق)، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء، ۳۰(۲۵)، صص ۱۷۹-۱۴۷.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷) *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۹) *راه روشن: محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، جلد ۱، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- _____ (۱۳۸۷) *الحقایق فی محاسن الاخلاق*، ترجمه نورالدین محمدبن‌شاه مرتضی، تصحیح عبدالله غفرانی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی‌بن‌یوسف (۱۳۴۷) *تاریخ الحکما*، تصحیح بهین دارایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشانی، ملافتح‌الله، ترجمه کشف الاحتجاج، تألیف نیمه اول قرن ۶ق، ترجمه نیمه دوم قرن ۱۰ق، مشهد: کتابخانه آستان قدس، نسخه خطی به شماره مسلسل ۱۷۷.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) *نقد و تصحیح متون*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مدنی شیرازی، سیدعلی خان (۱۴۳۰ق) *سلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر*، تهران: مرتضوی.
- هالم، هاینس (۱۳۸۵) *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، قم: نشر ادیان.
- سامانه حافظه ملی ایرانیان، تارنمای تخصصی (آخرین بازنگری ۱۸ خرداد ۱۴۰۳) <https://hmni.nlai.ir>

List of sources with English handwriting

Effendi, 'Abdullāh 'Īsā beyk. (1987). *Rīyād ul-'Olamā' wa Ḥīyād ul-Fodalā'*. Translated by Mohammad Baghar Saedi., Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]

Arabic Sources

Azarnoosh, Azartash. (2006). *The challenge between Persian and Arabic the first centuries*. Tehran: Našr-e Ney. [In Persian]

Azhand, Yaqoub and others. (2001). *Historiography in Iran*. Tehran: Gostardeh Publications. [In Persian]

Bahrānī, Yūsuf b. Aḥmad. (n.d.). *Lū'lu'at ul-Baḥrayn fi al-Ījāzat wa Trājm Rījāl al-Ḥadīṭ*, Qom: Mū'asissah Āl al-Bayt. [In Persian]

Drayati, Mostafa. (2013). *catalogers of Iranian manuscripts (Fankha)*. Tehran: Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]

Ībn Abī al-kaīr, Šahmardān. (1984). *Nozhat Nāme-ye 'Alā'ī*. Edited by Farhang Jahanpoor. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]

Erbelī, 'Alī b. 'Īsā. (1961). *Kašf ul-Gomma fi Ma'rīfat al-A'emma*. Tabriz: Publishing Banū Hāšīm. [In Persian]

Estarābādī, Ebrāhīm b. Valīollāh. (1686). *Ḥosnīyeh*. Mashhad: Library of Āstān-e Qods-e Ražavi. Manuscripts 9987. [In Persian]

Estarābādī, Moḥammad Amīn b. Moḥammad Šarīf. (1624). *Dāneš-nāme-ye Šāhī*. Tehran: Library of the Islamic parliament. Manuscripts. 2793/1 [In Persian]

Estarābādī, Moḥammad Amīn b. Moḥammad Šarīf. (1624). *Dāneš-nāme-ye Šāhī*. Mashhad: Library of Āstān-e Qods-e Ražavi. Manuscripts 517. [In Persian]

Farhani, Monfared. Mahdi. *The migration of Shia scholars from Jebel Amal to Iran in the Safavid era*. Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]

Feyz Kāšānī, Moḥammad b. Šāh Morteza. (2000). *Maḥajjat ul-Bayād' fi Tahdīb al-Īhyā'*, Translated by Mohammad Sadeq Aref. Mashhad. Āstān-e Qods Research Foundation. [In Persian]

Feyz Kāšānī, Moḥammad b. Šāh Morteza. (2008). *Al-Ḥaqāyīq fi Mahāsīn al- Akhlāq*. Translated by Mohammad b. Mortaza al-Kashani. Edited by Abdollah Ghufrani. Tehran: Shahid Motahari University. [In Persian]

Halm, Heinz. (2006). *Shi'ism*. Translated by Mohammad Taghi Akbari. Qom: Adyān publication. [In Persian]

Ḥorr-e 'Amelī, Moḥammad b. Hasan. (1965). *Amal ul-Āmil fi (Tarājīm-i) 'Olamā'-i jabal 'Āmil*. Baghdad: Muktabah al-andales.

Jafarian, Rasūl. (2007). *History of Shiism in Iran "From the beginning to the rise of the Safavid state"*. Thran: 'Elm Publishing. [In Persian]

ḵūveīnī, 'Aṭā Malek b. Moḥammad. (2010). *Tārīk-e jahāngošā-ye ḵūveīnī*. Edited by Mohammad Ghazvini. Thran: Asāṭīr. [In Persian]

Joneidi, Fereydoun. (2016). *Farhang-e Hazvāreš-hā-ye Dabīreh-ye Pahlavī*. Tehran: Balkh Publications. [In Persian]

Kāšānī, Fathollāh b. Šokrollāh. Tarjameh Kašf ul-Īhtejāj Compiled in the first half of the 6th century. Translation of the second half of the 10th century. Mashhad: Libraries Āstān-e Qods-e Ražavi. Manuscripts 177. [In Persian]

Madanī, 'Alī ḵān b. Aḥmad. (2009). *Solāfat ul-'Ašr fi Mahāsīn ul-Ššu'arā' bī-koll-ī Misr*. Thran: Publishing Mortazavī. [In Persian]

Māyil Haravī, Najīb. (1990). manuscripts of correction and Criticism. Mashhad: Āstān-e Qods-e Ražavi Research Foundation. [In Persian]

Qeftī, 'Alī b. Yūsuf. (1968). *Tārīk al-Hokamā'*. Edited by Bahman Daraei. Tehran: Publications of Tehran University. [In Persian]

Romlū, Hasan Bey. (2010). *Aḥsan ul-Tawārīk*. Edited by Abdolhossein Navaei. Thran: Asāṭīr. [In Persian]

Sadr, Mohammad Baqer. (1382). *An introduction to the history and evolution of the science of*

- principles*. Translated and Written by Abbas Asadollahi Sohi. Tehran: Maktab Alzahra Publications. [In Persian]
- Samāhī, ‘Abdollah b. Sāleḥ (1714). *Monyat ul-Momārīsīn fī Aḵwaba Masā’īl al-Šayḵ Yāsīn*. Library of the Islamic parliament. Manuscripts. 1916. [In Persian]
- Sefatgol, Mansoure. (2010). *religious institution and thought during the safavid Iran “16th-18th century”*. Tehran: cultural services Rasā. [In Persian]
- Al-Shaybi, Kamil Mustafa. (2017). *Shiism and Sufism until the beginning of the twelfth century*. Translated by Alireza Zekavati Gharagozlou. Tehran: Amīr Kabīr publications. [In Persian]
- Ṭabarī, Moḥammad b. jarīr. (2020). *Tarjomeh-e Tafsīr-e Tabarī*. Edited by Habib Yaghmaei. Tehran: Publications of Tehran University. [In Persian]
- Tehrānī, Šayḵ Āqā Bozorg. (1982). *Al-Ḍarī ‘a ilā Tašānīf al-Šī ‘a*. Beirut: Dār ul-Aḍwā’.
- Toḡā’ī kamare’ī, ‘Alī-naḡī b. Moḥammad Hāšem. (1642). *Hemam ul-tawāqīb*. Tehran: Sepahsālār Libraries. Manuscripts 1845. [In Persian]
- Zavvāre’ī, ‘Alī b. Ḥasan. (1540). *Tarjamat ul-kawās*. Mashhad: Library of Āstān-e Qods-e Razavi. Manuscripts. [In Persian]
- Zavvāre’ī, ‘Alī b. Ḥasan. (1554) *Ṭarāwat ul-Tā’īf (translated as Tarā’īf fī Ma’rīfat al-Maḡāhib)*. Tehran: Libraries Malek. [In Persian]

Articles

- Abedinpoor, Vahid; Kajbaf, Ali Akbar; Samaei, Masoomeh, (2020), The Importance of Colophon in Recognizing the Historical Values of Manuscript of "Jong-e Ahmad Gholam" (Date of Writing: 1135-1142 Ah.), Historical Perspective and Historiography, Alzahra University Spring and Summer NO.25 PP147-179.
- Rezaei, Mohammad. (2016). “Recognition of Identity of Shi’ism and Educated Iranians’ Thought before the fall of the Abbasid Caliphate”, *Shia Pajoohi*, 2(8), 5-26.

Electronic Resources

- Iranian national memory system, a specialized website, (Last updated on June 18, 2024) <https://hmni.nlai.ir>.



©2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

The Evolution of the Subject and Origin of Arabic to Persian Translations Shiite Texts of the Safavid Period in the Transition from the 10th to the 11th Century¹

Mehdi Bazrgar Khzarbeigi²
Seyyed Jalal Rajai³

Received: 2024/03/14
Accepted: 2024/09/22

Abstract

The growth of translation in the Safavid period can be seen alongside the growth of Persian writing. During this period, many Shi'ite texts were translated from Arabic to Persian. Persian writing grew relatively after the Mongol invasion along with Iranian identity and following the spread of Imami Shiism. During the Safavid era, Persian writing in "translation" also took its path towards expansion. In addition, Persian writing shows an emphasis on language and national identity. Examining the selection of "translation" texts by translators is a significant point and it provides useful information in the field of thought and culture. The evolution in translation themes can be understood by the statistical analysis of the translations of these centuries. These subjects are different in the 10th century, the period of the establishment of the Safavids, and the 11th century, the period of their consolidation. The dominant discourse in this era can be seen in the change in the choice of texts by the translators. What factors caused this change? What was the motivation of translation supervisors and translators for choosing texts? The translations have enlightening historical data that show us the political and ideological changes during this era. In this thesis, in a descriptive-analytical method, we have tried to address the demand of changing the choice of text and content of translation texts and to indicate that in this period based on news, verbal methods have been used to construct and spread Shiism as a constructive ideology in the life of the Safavids.

Keywords: Translation, Safavid, Shiite texts, Thematic evolution

1. DOI: 10.22051/hph.2024.46274.1708

2. Ph.D. Student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. history.1366@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author).
rejai-sj@ferdowsi.um.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507